

# کانون وکلای

سال سیزدهم      آذر - دی - بهمن - اسفند ماه ۱۳۴۰      شماره ۷۸

دکتر جهانبخش ارفع زنگنه

## نظری بمحاکمه آیشین<sup>۱</sup>

### سابقه تاریخی و حقوقی محاکمه جنایتکاران جنگ

دول همیشه در طول تاریخ سعی داشته اند که بعلت نقض مقررات جنگی حقوق بین الملل  
اعضاء متخلف قوای مسلح خود و بزه کاران موجود در قوای اسیر شده دشمن را مجازات نمایند!  
محاکمه این قبیل افراد همیشه با داد گاههای نظامی بوده است. ضمانت اجراء قوانین  
مربوط به جنگ رایج شده مقررات بدون حقوق مثبت ( کنوانسیونها - قراردادهای ) تا  
قبل از جنگ بین الملل اول تشکیل میداده و بخصوص مسئولیت بین المللی دول متخاصم  
در این باره مبتنی بر ماده ۳ کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ لاهه میباشد.  
ترتیب مقابله و دادرسی و مجازات جرائم جنگی تا بحال بدون نحو و درد و مرحله صورت  
گرفته است:

۱ - قبل از ایجاد جامعه ملل و در فقدان صلاحیت داد گاهی بین المللی دول همیشه  
یک طرفی عمل کرده اند و عبارت دیگر دادرسی مقصرین جنگی و متخلفین از این قبیل ملی و یک طرفی  
بوده است.

### مجازات و دادرسی یک طرفی

هر دولت خودش جرائم مربوطه را تعریف و تعیین مجازات طبق قوانین و نظر داد گاه آن  
کشور بخصوص بعمل آمده و قوانین آئین دادرسی کیفری ارتشی کشورها حاوی مراتب  
پیش بینی شده در این باره است:

مثال بارز این مورد رسیدگی بامر مربوط به غرق کشتی لوزیتانیا<sup>(۲)</sup> است که یکی از  
داد گاههای انگلستان قیصر آلمان را مقصر دانست (سال ۱۹۱۵ توسط ژوری Queenstowr )  
منطق چنین اقدامی اینست که بهمان دلیلی که دول متخاصم طبق قوانین مخصوص

۱ - آدولف آیشین افسر سازمان نازی اس اس مأمور کارهای یهودیان در آلمان هیتلری.

۲ - Lusitania

## نظری بمحاكمه آيشمن

جرائم جنگی سربازان خود را تعقیب میکنند حق دارند که سربازان خطا کار دشمن را هم بدون جلب موافقت طرف مقابل تنبیه نمایند. رویه قضائی امریکا نیز این نکته را پس از جنگ بین المللی دوم تأیید کرده است (دادگاه عالی ایالات متحده ۱۹۴۶ امر. حاکمه ژنرال یاماشیتی<sup>(۱)</sup>)

## دادرسی جزائی بین المللی

اولین بار که مسئولیت جزائی بین المللی نقض کنندگان حقوق بین المللی صریحاً بمیان کشیده شده است پس از جنگ بین المللی اول میباشد. طبق ماده ۲۸۸ معاهده ورسای دولت آلمان این حق را برای متفقین شناخته بود که افراد متهم به نقض حقوق بین الملل و عرف و عادات جنگی را بمحاكمه دعوت کنند و آلمان آنها را بمتفقین تسلیم کند. قرارداد نامبرده دو دسته مقصر جنگی را تعریف کرده بود:

- ۱ - عاملین اساسی براه انداختن جنگ که در راس آنها قیصر آلمان قرار داشت. بانهام نقض اصول اخلاقی و حقوق بین المللی و بهم زدن اعتبار معاهدات.
- ۲ - مجریان دستورات و اوامر متهم بانجام اعمال مخالف قوانین و عرف جنگی که بایستی بمتفقین تسلیم میشدند.

در هر دو مورد نظرات متفقین بجائی نرسید. چه اولاً دولت هلند باین عنوان که امضا کننده قرارداد ورسای نبوده و استرداد مقصرین در امور سیاسی معمول نیست قیصر را تسلیم نکرد.

ثانیاً دولت آلمان مدعی شد که بعلت اشکالات سیاسی و عملی تسلیم افراد ممکن نبود و در مقابل پیشنهاد کرد که متهمین در دادگاه عالی لایپزیک محاکمه گردند و متفقین باین نظریه اجباراً گردن نهادند. ولی پس از مدت طولانی از ۸۹ نفر جنایتکار جنگ فقط ۵ نفر محاکمه و در آن میان بیش از ۵ نفر محکوم نشده و تازه مجازات هم درباره شان مجری نگردید. مشهورترین این محاکمات دادرسی معروف به است که در آن دو افسر نیروی دریائی آلمان بعلت آتش زدن قایق های نجات یکی کشتی غرق شده انگلیسی بچهار سال زندان محکوم شدند و عذر آنها در اجرای دستور فرمانده مافوق پذیرفته نشد.

## ۲ - پس از ایجاد جامعه ملل و بعد از خاتمه جنگ بین الملل دوم

پس از ایجاد جامعه ملل و تقبیح جنگ در تصمیمات مجمع عمومی آن جامعه و انعقاد قراردادهای کمک متقابل و بخصوص قرارداد بریان - گلوک<sup>(۲)</sup> که در آنها بالصراحه جنگ جنایتی بین المللی بشمار رفته و تجاوز محکوم شده بود حقوق مثبت بین المللی حالت جدیدی بخود گرفته است طی جنگ بین الملل دوم ورسای دول متفق بکرات یادآوری کردند که مسئولین جنگ و نقض کنندگان حقوق بین المللی و عرف و عادات جنگی محاکمه خواهند شد.

در نوامبر سال ۱۹۴۳ اعلامیه مشترك استالین - روزولت - چرچیل حاکی از آن بود که پس از آتش بس تمام مسئولین و افسران رژیم نازی که مرتکب قتل عام کشتار و اعمال خلاف انسانیت باشند بایستی محاکمه و تنبیه شوند.

۱ - «Yamashita» - ۲ - Pact Briand - Kllog

## نظری به حاکمه آئین

دراوت سال ۱۹۴۵ بین چهار دولت بزرگ متفق ( فرانسه ، انگلیس ، شوروی ایالات متحده ) موافقت نامه تاسیس داد گاه نظامی بین المللی جزائی با مضاء رسید و صلاحیت آئین دادرسی و تعریف جرائم مورد قضاوت داد گاه بعنوان ضمیمه آن موافقت نامه تشریح و مورد قبول قرار گرفت .

ماده (۶) این ضمیمه صلاحیت داد گاه را تعیین و جرائم را بشرح زیر طبقه بندی نموده است:

**الف - جنایات برضد صلح (۱):** عبارت از تهیه مقدمات و طرح ریزی نقشه های جنگی و اعمال تجاوز و شروع به جنگ برخلاف تعهدات و قراردادهای بین المللی و یا شرکت در اعمال فوق بمنظور راه انداختن عملیات جنگی .

**ب - جنایات جنگی (۲):** از قبیل نقض قوانین بین المللی و عرف و عادات مربوط به جنگ مثل شکنجه و تبعید دسته جمعی کار اجباری و کشتن مردم . کشتن یا بد رفتاری و تبعید و زندان دسته جمعی و کار اجباری اسیران جنگی برخلاف معاهدات موجود .

**ج - جرائم برضد بشریت (۳):** مثل کشتن ، قتل ، غارت و شکنجه و اعمال غیر انسانی نسبت به مردم عادی . قتل و مجازات مردم بخاطر عقاید سیاسی ، مذهبی و تعلق به نژاد مخصوص یا جرائم مربوط باین اعمال اعم از اینکه موافق یا مخالف قوانین داخلی باشند .

رهبران ، سازمان دهندگان ، اجراء کنندگان اجراء اعمال فوق الذکر شرکاء مجرم محسوب و مسئول میباشند .

ضمیمه موافقت نامه یاد شده همچنین متذکر شده بود که داد گاه ممکن است ضمن رسیدگی خود علاوه بر اشخاص ، دسته ها ، احزاب و سازمانهای مقصر را که محکومین عضویت آنها را داشته اند نیز محکوم نماید .

ضمناً ماده ۱ آن پیش بینی کرده بود که در صورتیکه دسته و یا سازمان و حزبی محکوم شود دول متفق حق دارند که اعضاء آنها را که در خاک خود مشاهده مینمایند محاکمه کنند و در این قبیل موارد جنایتکاری و محکومیت چنین سازمانهایی ثابت شده تلقی میگردد .

معهدا اقدامات قضائی پس از جنگ دوم را می توان در همان کادر دادرسیهای ملی و بین المللی خلاصه نمود .

**دادرسی های یک طرفه یا ملی -** با وجودی که در این قبیل محاکمات فقط داد گاههای یک کشور بخصوص رسیدگی و رای داده اند معهدا عمل آنها جنبه بین المللی داشته و فی الواقع مأموریت داد گاههای نامبرده بین المللی بوده است چه تصمیم بین المللی در تعیین جرم و مجازات و تعقیب جنایتکاران جنگی اثر داشته و همکاری و توافق دول ذی علاقه را در برداشته است . در نتیجه عده زیادی از داد گاههای محلی تقاضاهای تجدید نظر و استیناف احکام صادره را نپذیرفته و دلیلشان هم این بوده که صلاحیت داد گاههای نظامی محلی برحاکمیت مشترک دول فاتح مبتنی بوده است .

۱ - Crimes against peace ۲ - War crimes ۳ - Crimes against humanity

## نظری بمحاكمه آيشمن

**دادرسی بین المللی** - مهمترین داد گاههای از این قبیل داد گاههای بین المللی نظامی نورمبرگ و توکیو میباشد نکات مهمی که درباره این دو داد گاه بایستی مورد یادآوری قرار گیرند عبارتند از :

- ۱ - عدم مراجعه بقوانین جزائی داخلی
  - ۲ - ترکیب بین المللی داد گاه ( یا حداقل متفقین )
  - ۳ - اعطاء فرصت کامل دفاع بمتهمین
  - ۴ - قطعی بودن احکام صادره
- برای اینکه بتوانیم اجمالاً بمبانی وموارد استناد داد گاه بین المللی نظامی نظر اندازیم بطور اجمال نکات مهم حکم صادره از داد گاه نورمبرگ را مطالعه میکنیم :

داد گاه نورمبرگ رهبران رژیم نازی و افسران عالی رتبه ستاد ارتش را باتهام جنایات جنگی، جنایت بر ضد صلح، و جنایت بر ضد بشریت محکوم کرد. از سال ۱۹۳۹ متهمین در آلمان و تمام کشورهای تحت تسلط آلمان با اتکاء و شرکت یکدیگر مرتکب کلیه این جرائم گردیدند و داد گاه قتل عام، تضییق وآزار یهودیان را جزء جرائم بر ضد بشریت اعلام داشت.

### مقررات و قوانین و حقوق مورد استناد داد گاه

- ۱ - داد گاه ضمیمه موافقت نامه ۱۹۴۵ لندن را برای خود مانند قانونی دانسته و اساس صلاحیت خود قرار داده است.
- ۲ - شروع بجنگ و براه انداختن تجاوز مخالف قراردادهای بین المللی عرف و عادت و بالتیجه حقوق بین المللی بوده است.
- ۳ - کنوانسیونهای لاهه که در سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ بتصویب عده ای ازدول رسیده و مانند پایه قوانین بین المللی درباره جنگ و قوانین جنگی دریائی وزمینی وهوائی بایستی بشمار روند.
- ۴ - مخصوصاً در قرارداد لاهه ۱۹۰۷ مربوط باغازمخاصات تصریح شده که آغازمخاصات نباید بدون اعلان صریح جنگ صورت گیرد و بعلاوه شروع بجنگ باید موجه ومدلل باشد.
- ۵ - قرارداد ورسای که در آن آلمان استقلال دول اطریش، چکسلواکی، وشهرآزاد دانتزیک را پذیرفته بود.
- ۶ - قراردادهای کمک متقابل، حکمیت وعدم تجاوزی که در سال ۱۹۲۵ بامضاء رسیده اند.

۶ - قرارداد بریان - گلوک ( ۱۹۲۸ ) یا قرارداد کلی انصراف از جنگ که در آن دول امضاء کننده متعهد شده اند که جنگی را براه نیندازند.

بنظر داد گاه اساس صلاحیت داد گاه بر ماده (۶) ضمیمه موافقت نامه لندن استوار است که تدوین چنین مقرراتی از حاکمیت دولی ناشی شده که بدون شرط آلمان بانها تسلیم گردیده و آنها حق داشته اند که برای مناطق اشغالی خود کلیه قوانینی را که لازم

## نظری بمحاکمه آئین

میدانند و مورد قبول ملل متمدن باشد تدوین کنند و این اقدام دول متفق بنظر داد گاه تصریح حقوق بین الملل بشمار رفته و بتوسعه آن کمک خواهد نمود.

**عمده استدلال متهمین -** اهم دفاعیات مفصل متهمین در داد گاه نورمبرگ بر نکات ذیل مبتنی بوده است:

**الف -** متهمین باصل مشهور قانونی بودن جرم و مجازات<sup>(۱)</sup> استناد کرده و معتقد بودند که این اصل اساسی چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین المللی تا بحال رعایت شده و تا وقتی که قانونی عملی را جرم نشناخته مجازات آن عمل غیر قانونی بوده و بعلاوه این قانون بایستی قبل از ارتکاب جرائم وجود داشته و عطف بمسابق کردن قوانین جزائی بضرر متهم برخلاف اصول دول متمدن میباشد. تا هنگام شروع دادرسی نورمبرگ هیچ قانونی و قراردادی مهاجم را تعریف نکرده که مجازاتی برای آن پیش بینی شده باشد که سابقه نداشته که داد گاهی برای ایجاد قانون و اعمال فوری آن بوجود آید.

**ب -** متهمین ادعا کردند که حقوق بین الملل ناظر با اقدامات دول مستقل است و حاوی تنبیه و مجازاتی برای افراد نمی باشد و هر وقت که پای حاکمیت و عمل دولتی در میان باشد افراد اجراء کننده سیاست آندولت مسئولیت شخصی ندارند.

**ج -** متهمین اظهار داشتند که مشترکاً بدستور هیتلر گردن نهاده و از طریق سلسله مراتب مسئولیت داشته و نمی توانند شخصاً مورد اتهام قرار گیرند.

**د -** بنظر متهمین داد گاه نورمبرگ قراردادهای لاهه قابل استناد بر علیه آنها نمی باشند. چه در خود قراردادهای مذکور تصریح گردیده که بین دول متعاقد قابل اجراء بوده و عده زیادی از دول متخاصم جنگ بین المللی دوم کنوانسیون های لاهه را امضاء نکرده بوده اند.

**و -** ادعای دیگر متهمین این بود که آلمان عدهای از مالک اروپا را بخود ضمیمه کرده بود و بنا بر این در آنجا نمی توان بمقررات حقوق بین المللی اتکاء کرد بلکه قوانین داخلی آلمان در آنجا حکومت داشته و مامورین دولت آلمان بدستور دولت خود و قوانین آلمان کار می کرده اند.

## خلاصه نظر داد گاه در رد نظرات متهمین

۱ - اولاً درباره اصل قانونی بودن جرم و مجازات و عطف بمسابق نکردن قوانین جزائی این اصل نمی تواند تحدیدی برای حاکمیت ملل ایجاد نماید. بعلاوه هدف این اصل رعایت عدالت میباشد و تطابق آن بحال اشخاص که بدون اطلاع قبلی و برخلاف حقوق و قراردادهای دول همسایه تجاوز کرده و استقلال آنها را پایمال نموده اند غلط بوده و نقض غرض بشمار میرود.

متهمین همگی میدانستند که عمل غلطی میکنند و اگر طبق این اصل تنبیه چنین گناهکاران خطا تصور شود بنظر داد گاه بی مجازات گذاردن ورها کردن آنها گناه بزرگتری خواهد بود.

متهمین با اشغال مقاماتی مهم در آلمان نازی بخوبی از تعهدات آلمان و قراردادهای بین المللی اطلاع داشتند و میدانستند که با شروع بجنگ تمام حقوق بین الملل را تعمداً زیر پا می گذارند و بدین دلیل از گناه خود باخبر بوده و نمی توانند از اصل قانونی بودن جرائم و مجازات استفاده نمایند.

## نظری بمحاکمه آئین

نظر داد گاه در این باره کاملاً بر حقوق بین المللی استوار میباشد. قبل از سال ۱۹۳۹ (یعنی شروع جنگ بین المللی دوم) آلمان و ژاپن در سال ۱۹۲۸ قرارداد بریان - گلوک یعنی قرار عمومی انصراف از جنگ را امضاء کرده اند بایستی دید اثرات قانونی این قرارداد چیست؟ دول مختلفه بدون هیچ قید و شرطی بان ملحق شده توسط بجنگ را بعنوان راه حل اختلافات سیاسی محکوم شمردند و بطور کلی از دست زدن باعمال جنگی منصرف گردیدند. بنظر داد گاه پس از این قرارداد هر دولتی که برای نظرات انفرادی و شخصی به جنگ متوسل شود مسئول میباشد و قبولی ملل دنیا بالحاق باین قرارداد جنگ را در حقوق بین المللی عملی غیر قانونی کرده و مبادرت کنندگان بجنگ را می توان جانی شناخت.

متهمین ایراد کرده اند که قرارداد مذکور جنایات بین المللی و جنگی را تعریف نکرده و ایجاد داد گاهی را پیش بینی ننموده است. این ایراد بنظر داد گاه وارد نمی باشد. چه قرارداد های ۱۹۰۷ لاهه طرز رفتار با اسراء و قوانین جنگی را تدوین کرده اند. در حقیقت قبل از قرار داد های مذکور نیز با وجود نبودن حقوق بین الملل قواعد و مقررات جنگی طبق عرف و عادات و حقوق دول مختلفه وجود داشته و جنایتکاران جنگی بعضاً مورد محاکمه و تعقیب قرار گرفته اند.

بنظر داد گاه حقوق بین الملل محصول یک قانون گذاری بین المللی نیست بلکه قرارداد های بین المللی (مثل قرارداد بریان - گلوک) عرف و عادات اصول کلی حقوق بین الملل را پی ریزی میکنند و بکارهای اداری و آئین دادرسی تعقیب جرائم کاری ندارند. قراردادها فقط اصول را تشریح میسازند.

بعلاوه میثاق جامعه ملل و پرتکل ژنو مربوط بحل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی جنگ رایک جنایت بین المللی نامیده اند.

مجمع عمومی جامعه ملل در سپتامبر ۱۹۲۷ با حضور کلیه هیئت های نمایندگی (منجمله ژاپن. آلمان. ایتالیا) با توافق آراء جنگتهاجمی را جنایت نامید و جامعه دول آمریکائی (۱) نیز در سال ۱۹۲۸ این نظریه را مورد تأیید قرار داد.

علاوه بر آنچه گذشت نباید فراموش نمود که اصل قانونی بودن جرم و مجازات بمنظور حمایت مردم بر علیه زور و تجاوز و قانونگذاران و قضات ابداع گردیده در حالیکه تمام مردم دنیا تنبیه متهمین را میخواهند که صلح و آسایش دنیا را بهم زده و جهان را بخاک و خون کشانند و چنین قانون اراده عمومی است نمی توان با اصل فوق الذکر علی رغم اراده اکثر مردم دنیا متهمین را از مجازات مصون داشت. و چنانکه یادآوری شد اصل قانونی بودن جرم و مجازات تا وقتی مورد احترام است که مجریان او امر بغير قانونی بودن اعمال خود واقف نباشند و از وقتی که قبح اعمال انجام شده بر آنها روشن شد مقصر خواهند بود بدون اینکه لازم باشد که جرائم ارتكابی تعریف شوند و یا مجازات آنها صریحاً در لحظه ارتكاب روشن شده باشد.



## نظری بمحاکمه آئین

۲ - داد گاه ادعای متهمین را در اینکه حقوق بین المللی با افراد توجهی نداشته و بنابراین افراد مجری اوامر دولتها مسئولیت شخصی ندارند رد کرده است.

داد گاه یادآوری کرد که در حقیقت حقوق بین الملل مانند کلیه رشته های حقوق و تکالیفی را با افراد در عرض دول تحمیل میکند.

باید در نظر داشت که جنایات شناخته شده وسیله حقوق بین الملل توسط افراد ارتکاب می شود نه بوسیله عناوین غیر مشخص حقوقی. فقط با تنبیه افراد مرتکب است که حقوق بین الملل را می توان محکم و محترم کرد.

ماده ۲۸۸ قرارداد ورسای نظریه داد گاه را تقویت مینماید. این قرارداد که بین دول زیادی بامضاء رسیده و از اصول حقوق بین المللی پیروی نموده در ماده فوق الذکر اصل محاکمه نقض کنندگان حقوق بین الملل و عرف و عادات جنگی را قبول کرده و آلمان بان گردن نهاده است.

درست است که حقوق بین المللی در شرایط معینی با افرادی از مأمورین و نمایندگان دول مصونیت اعطاء میکند ولی واضح است که این مصونیت را نمی توان شامل عملیات محکوم شده و جنایت آمیز و بر خلاف حقوق بین المللی نمود.

ماده (۷) ضمیمه موافقت نامه لندن حاکی است که مقام و وظیفه متهمین اعم از رئیس کشور یا وزیر یا هر شغلی نمی تواند رافع مسئولیت آنها در اتهامات وارده شناخته شود.

بنظر داد گاه هدف ماده مزبور اینست که هر فردی از لحاظ بین المللی وظایفی دارد که مقدم بر وظایف ملی مربوط باطاعت و سلسله مراتب میباشد. کسی که قوانین حقوق بین المللی را درباره جنگ نقض میکند نمی تواند از این مصونیت که دستورات مافوق را انجام میداده استفاده نماید.

۳ - داد گاه نور مبرگ این نظر متهمین را که مشترکاً و بدستور هیتلر عمل می کرده اند و نمی توانند شخصاً مسئول باشند رد کرد است.

ماده ۸ ضمیمه موافقت نامه لندن پیش بینی کرد که متهمین نمی توانند متعذر بدستور مافوق شوند ولی دستور صریح مافوق از دلایل مخففه محسوب میگردد.

بنظر داد گاه چنین ماده ای کاملاً موافق حقوق بین المللی است. چه اگر سربازی دستور بگیرد که برخلاف حقوق بین المللی و عرف و عادات جنگی اسراء یا مردم بی دفاع را میکشد یا شکنجه دهد این عمل نه تنها مخالف حقوق بلکه غیر انسانی است و سرباز بخوبی میداند که در اجراء امر مافوق مرتکب جنایتی میشود و کسی حق ندارد ارتکاب جنایت را دستور بدهد.

۴ - و بالاخره استناد متهمین که قراردادهای لاهه فقط بین دول متعاهد مجری بوده و دولی که آن قراردادها را امضاء نکرده اند نسبت باجرای آنها تعهدی ندارند از نظر داد گاه مردود شناخته شده است. زیرا مقررات کنوانسیون های لاهه پیشرفت وجودی حقوق

## نظری بمحاکمه آیشمن

بین المللی و تصریح آن پیشرفت بوده و مکرر در کنوانسیونها تذکر داده شده که درباره عرف و عادت و قوانین بین المللی تجدیدنظر بعمل آمده و مورد قبول دول متعاقد قرار گرفته است.

۵ - ادعای دیگر متهمین که آلمان عده‌ای از ممالک اروپا را بخود ضمیمه کرده و بنابراین در آنجا که قوانین داخلی آلمان حکومت میکرده و اعمال حقوق بین المللی مصداقی پیدا نمی نماید بنظر دادگاه مردود شناخته شد زیرا که هریک از آن کشورها از سال ۱۹۳۹ بعد ارتش آزادی بخش ایجاد کرد و چه در داخل و چه در خارج بر علیه آلمان هیتلری مبارزه میکرده و این مبارزات بمنظور اعاده استقلال صورت می گرفته است.

۶ - درباره جنایات بر ضد بشریت نیز حکم دادگاه حاکی از تقصیر متهمین بود. در این باره شکی وجود ندارد که در رژیم هیتلری عده زیادی مخالفین سیاسی کشته و نابود شده و عده زیادی در کامپ‌های بازداشت دسته جمعی در شرایط وحشیانه جان داده و یا شکنجه دیدند. تیرباران‌های دسته جمعی در کشورهای اشغال شده و انتقال دسته جمعی مردم میهن پرست آن کشورها و سیاست تعقیب و مجازات مردم غیرنازی آلمان قبل از سال ۱۹۳۹ قابل انکار نبودند و هریک بنوبه خود جنایت بر ضد بشریت بحساب میامدند. بالاتر از همه کشتن و غارت اموال یهودیان و قرارداد آن‌ها در کوره‌های گاز و مرگ تدریجی در بازداشتگاهها از جنایات ضد انسانی رژیم نازی بحساب آمدند.

علاوه از اینکه چنین جنایاتی را در ضمیمه اعلامیه لندن دول متفق پیش بینی کرده بودند مواد ۴۵ و ۵۰ و ۵۲ و ۵۶ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه و مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۴۲ و ۵۱ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو جنایات بر ضد بشر را آورده بودند و بنابراین حقوق مشتی قبل از آغاز جنگ بین المللی دوم وجود داشته است.

## محاکمه آیشمن :

طرز بودن آیشمن از آرژانتین موضوع بحث ما نیست اجمالا یادآوری میشود که سرویس جاسوسی اسرائیل وی را که با نام دیگری در آرژانتین میزیسته شناخت و پس از تهیه مقدماتی معجزه آسا ویرا دستگیر و با اسرائیل منتقل نمود. محاکمه وی از وقایع جالب سال ۱۹۶۱ بشمار رفته و بسیاری از یهودیان و خبرنگاران خبرگزاریهای عمده جهان در آن حضور یافتند.

اتهامات وارده بر آیشمن بطور خلاصه عبارت بودند از: جنایات بر ضد ملت یهود و یهودیان. جنایات بر ضد بشریت. جنایات جنگی. و عضویت سازمانهای جنایتکار.

## مبانی دفاع آیشمن و وکیل مدافع او

۱ - قربانیان رژیم نازی ارتباطی با دولت آلمان بعنوان یک شخصیت حقوقی بین المللی ندارند.

۲ - چنانچه فرضاً دولت آلمان مرتکب خلاف قانونی شده با افرادی نظیر متهم ارتباطی ندارد.



### نظری بهحاكمه آيشمن

۳ - عدم صلاحيت داد گاه اسرائيل . باين علت كه جرايم ادعائي در خارج خاك اسرائيل صورت گرفته و قبل از تشكيل آندولت بوده و متهم نيز برخلاف قانون و عرف با اسرائيل آورده شده است .

۴ - دولت اسرائيل با تكاء قوانين موجوده خود متهم را تعقيب ميكند در حاليكه قانون آن دولت درباره تعقيب متهمين بجرائهم ضد يهود يکطرفی و خلاف قوانين حقوق بين المللی میباشد .

۵ - توسل باصل قانونی بودن جرم و مجازات

۶ - در تعقيب جزائی اساس هر جرمی را قصد جنایتکارانه تشكيل میدهد (۱) و در اينجا قصد انفرادی وجود ندارد .

۷ - اعمال متنسبه بمتهم اجراء وظيف اداری (۲) بوده و بنا بر اين فقط دولت آلمان مقصر میباشد .

۸ - بين عمل انتسابی بمتهم و دولتی كه داد گاههای آن جرمی را رسيدگی مينمايند بايستی رابطه وجود داشته باشد و اين اعمال ربطی بدولت اسرائيل ندارند .

- در فقدان رابطه مذکور قانون ملی حكومت ميكند و بنا بر اين اگر يهوديان مورد آزار و كشتار تابعيت دول مختلفه را داشته اند آنها صالح هستند نه اسرائيل .

۱۰ - متهم در يك کشور خارجی اسير و دادرسی او در اسرائيل مخالف حقوق بين المللی است و بنا بر اين داد گاه مربوطه صالح نمی باشد و داد گاه نبايستی عمل غير قانون دولت اسرائيل را تايد نماید .

۱۱ - طبق قوانين آرژانتين مدت مرور زمان پانزده سال بوده و فعلا سپری شده است و متهم قابل تعقيب نمی باشد .

۱۲ - متهم مجبور باطاعت از رؤسایش بوده است . اصل اساس در تمام کشورها اينست كه برهبران کشور بايستی اعتماد كرد . عمل لال و اطاعت كور است و اساس شخصيت و ساختمان دولت بر اين مسئله بنا نهاده شده است . هر وقت دولتی شكست خورد رهبرانش جانی ميشوند و فاتح در معامله با آنها آزاد است .

۱۳ - متهم مسئوليت انجام اعمال برضد يهود رانداشته است .

۱۴ - لهستانی ها يا مردمی كه توسط رژيم نازی مجبور به ترك محل اقامت خود شده اند فقط تغيير محل داده و تبعيد نشده اند و بنحو غير انسانی انجام نگردیده است .

**رد سخنان متهم و وکیل مدافع و خلاصه نظرات دادگاه در محکومیت**

**آيشمان .**

داد گاه آيشمان را درباره كليہ جرائهم آورده شده در ادعائنامه محكوم کرده و فقط در مورد كشتن اطفال يهود در لهستان تيرئه نموده است .

## نظری بمحاکمه آئشمن

ارتکاب جنایات جنگی ، برضد یهود . برضد بشریت . وعضویت سازمان های جنایتکار درنظر داد گاه محقق جلوه گر شده وبالاخره برای وی مجازات اعدام معین گردید .

در تشریح حکم داد گاه ملاحظه خواهیم کرد که در بسیار مسائل اساس کار داد گاه بین المللی نورمبرگ و داد گاه اسرائیلی مأمور محاکمه آئشمن تقریباً یکسان بوده است و در موارد زیادی استناد محکومیت طبق قوانین و عرف حقوق بین المللی و یا ضمیمه اعلامیه لندن بعمل آمده و حتی بحکم واستدلال داد گاه نورمبرگ نیز اتکاء شده است .

برای اینکه مراجعه و تطبیق سخنان وکیل مدافع و حکم داد گاه آسان باشد عیناً جوابهای داد گاه را در برابر هر مطلب با همان شماره ذیلاً نقل می کنیم :

۱ - داد گاه از این ادعا که کارهای رژیم نازی ارتباطی با آلمان نداشته بسیار متعجب است . این ارتباط مانند رابطه ریشه با درخت میباشد .

۲ - ادعای فقدان مسئولیت آئشمن نیز بسیار تعجب آور است زیرا در عمل بین المللی شخصیت حقوقی را نمی توان مجزا از رهبران آن دانست و اگر دولتی نقشه انهدام دسته جمعی مردم را میکشد این شخصیت حقوقی قابل محاکمه نیست بلکه رهبران جنایتکار آن دولت هستند که تصمیم بنام آن میگیرند و بسوء عمل خود وقوف دارند و صحیح نیست که چنین افراد جنایتکاری را در سایه شخصیت حقوقی دولت از مجازات رها کنید و تنبیهی برای دیگران ایجاد نکرد . این قبیل مدعی در محکمه نورمبرگ هنگام محاکمه جنایتکاران جنگی پیش کشیده شد و بهمان نحو از طرف داد گاه نامبرده رد گردید .

### ۳ - در باره صلاحیت

داد گاه مأمور رسیدگی باتهامات آئشمن فصل مفصلی رابه بحث درباره صلاحیت اختصاص داده و متذکر شده که حتی چنانچه متهم بصلاحیت داد گاه معترض نباشد برای چنین محاکمه قابل توجهی داد گاه بایستی اثبات صلاحیت خود را بر هر چیز مقدم شمارد .

قانون سال ۱۹۵۱ اسرائیل بمحاکم آن کشور صلاحیت دادرسی افراد و سازمانهای نازی و همکاران آنها را اعطاء مینماید . طبق این قانون اشخاص زیر را می توان تعقیب و مجازات کرد :

الف - افرادی که در کشورهای اشغالی نازی جنایتی برضد یهودیان مرتکب شده اند .

ب - افرادی که در کشورهای نامبرده جنایاتی برضد بشریت مرتکب و یا دست باجاء جنایات جنگی زده اند .

مجازات پیش بینی شده از طرف قانون مذکور در موارد مزبور اعدام میباشد .

داد گاه در حکم خود متذکر شده که ممکن است گفته شود که این قانون جرائمی را شناخته که قبلاً بر مردم جهان مجهول بوده و اینکه در آلمان و مسالک اشغالی حین جنگ وجود نداشته و نبایستی عطف بماسبق شود .

بنظر داد گاه بعکس کلیه جنایات فوق جنایات برضد بشر تلقی شده و در حقوق تمام ملل متمدن و حقوق بین المللی وجود داشته است .

## نظری بمحاکمه آیشمن

بعلاوه تصویب نامه‌ها و قوانین زمان هیتلر چه بسا توسط دادگاههای آلمانی عطف بماسبق شده‌اند.

بعلاوه مذموم بودن اعمال ارتكابی نیز توسط مأموران هیتلری قطعاً تشخیص داده می‌شده است. مخصوصاً انهدام آرشیوهای گشتاپو قبل از انهدام رژیم نازی می‌رساند که مأموران آن دستگاه نیز به قبح اعمالشان واقف بودند و این قبیل جرائم چه قبل و چه بعد از تشکیل دولت اسرائیل صورت گرفته باشد تفاوتی در ماهیت مطلب ایجاد نمی‌کند بعلاوه سرنوشت ملت یهود و اسرائیل یکی است.

ع - دادگاه برعکس نظروکیل مدافع قوانین اسرائیل را مخالف حقوق بین‌المللی ندانسته است.

بعلاوه باید دید که در صورت تعارض قوانین بایستی قانون محلی را اجراء گردد یا بین‌المللی؟

گرچه ملل متمدن در این باره وحدت نظر ندارند ولی بسیاری از قوانین جزائی قوانین محلی را مقدم شمرده‌اند و قانون اسرائیل یکی از آنها می‌باشد که شبیه قانون انگلستان است و دادگاه مصوبات مجلس کشور خود را مورد عمل قرار می‌دهد.

معهدا قضات مأمور رسیدگی بیرونده مورد بحث منابع حقوق بین‌المللی را مطالعه کرده‌اند و بحثی نیافته‌اند تا ادعای وکیل مدافع را موجه سازد.

صلاحیت دولت اسرائیل برای تدوین و تصویب قانون تعقیب جنایتکاران برضد یهود طبق حقوق بین‌الملل مبتنی برد و اصل است :

### خواص عمومی و دنیائی این جرائم .

### جنبه مخصوص آن بر علیه یهودیان .

این جرائم وجدان عمومی بشری را لکه‌دار کرده و بر علیه جامعه بشریت ارتکاب یافته است.

گروسیوس در سال ۱۶۲۵ در کتاب : « De Jure Belli Ac Pacis » اساس تنبیه مجرمین را طبق حقوق بین‌المللی تشریح کرده است. بنظر او قصد تنبیه ممکن است بصلاح مجرم. بصلاح قربانی یعنی مجنی علیه و یا بصلاح اجتماع باشد.

طبق حقوق طبیعی (۱) ممکن است مجنی علیه شخصاً به مجازات مجرم اقدام کرده و یا فرد بیطرفی این کار را بعهده بگیرد ولی در اجتماع این حقوق طبیعی محدود شده و کار تنبیه مجرمین بجامعه واگذار شده و اینکه جامعه برای وصول باین هدف بدادگاه‌ها نمایندگی داده است.

وظیفه اخلاقی هر دولتی تقویت حقوق طبیعی در تنبیه مجرمین است و دولتی که جنایتکاران را در دست دارند صرف نظر اینکه جنایت در کجا و بر علیه کی صورت گرفته وظیفه‌دار تعقیب و مجازات آنها می‌باشند.

## نظری به حاکمه آئین

طبق مصوبات مجمع عمومی ملل متحد درباره حقوق بشری (۱۹۴۸) و طبق آراء دادگاه بین المللی لاهه در جرم شناختن مردم کشتی دسته جمعی شکی نیست و نمی شود گفت که کشتن دسته جمعی یهودیان قانونی بوده است.

بنابراین طبق اصول بین المللی صلاحیت دادرسی و مجازات چنین افراد مجرمی عمومیت داشته اختصاص بدولت واحدی ندارد. و لازم نیست تکرار شود که کشتن دسته جمعی یهودیان بخودی خود جنایتی بر علیه بشریت است. از اتمام استنادات دادگاه نظامی بین المللی نورمبرگ نیز در اینجا صادق است.

۵ - درباره اصل قانونی بودن جرم و مجازات دادگاه اسرائیل عیناً استدلال دادگاه نورمبرگ را آورده است.

۶ - دادگاه قبول میکند که برای تجسم هر جرمی قصد جنایتکارانه (۱) «Mens rea» از عوامل ضروری میباشد. گرچه تمام عوامل متشکله چنین جنایاتی از نورمبرگ تجسم یافته معهدا یادآوری شده که آئینمان متهم باجرا طرح هائی برای از بین بردن یهودیان بوده و کسی در این باره نمی تواند شکی داشته باشد.

قانون اسرائیل نیز طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات اقتضا دارد که افراد قبل از اقدام جرم بودن (۲) عمل خود را بدانند. طی جنگ دوم رهبران دول متفق چندین بار برهبران نازی یادآوری کردند که اعمالشان مخالف حقوق بین المللی بوده و بدین مناسبت مجازات خواهند شد و از همان هنگام ادامه جرائم مورد بحث چیزی جزینی اعتنائی آنها را نمی رساند و هر مأموری نیز بدین ترتیب مسئول اعمال خود میباشد.

۷ - دادگاه این ادعا را که اعمال منتسبه بمتهم عمل دولتی بوده (۳) و باقراد ارتباطی ندارند و اینکه دولت آلمان مقصر است را نیز رد کرده است.

بنظر دادگاه در بیان این مطلب که وکیل مدافع خواسته است به تئوری کسلن (۴) که بسیار در حقوق بین الملل مشهور میباشد توسل جوید.

طبق این اصل (۵) دولتی که دارای حاکمیت ملی است نمی تواند دولت دیگری که بنوبه خود دارای حاکمیت ملی میباشد مورد قضاوت قرار دهد. و لاقلاً بایستی رضایت آن دولت در این باره جلب گردد.

بنظر دادگاه درست است که طبق حقوق بین المللی آلمان مسئولیت اخلاقی و قانونی جنایات جنگی (منجمله متهم حاضر) را دارد ولی مسئولیت آن دولت مسئولیت شخصی اشخاص را از بین نمی برد.

ضمیمه اعلامیه دول متفق درباره صلاحیت دادگاه نورمبرگ مبانی حقوق بین المللی و مصوبات مجمع عمومی ملل متحد مؤید این نظر میباشد.

این نکته که شخصی جنایتی را طبق حقوق بین المللی مرتکب شده و رئیس کشوری بوده (و بایستی طبق ادعاهائی مصونیت داشته باشد) مسئولیت را زایل نمی سازد.

۱ - Criminal intention ۲ - Be are fawrewasrd ۳ - Act of States ۴ - Kelsen

۵ - Par in Parem non habent imperium

## نظری بمحاکمه آیشمن

حتی تئوری کلسن که اقتضای کنوانسیون بین‌المللی یارضايت دول را دارد در این باب حاصل است. دولت آلمان بتعدادی از کنوانسیون‌های تعریف‌کننده جنایات بر ضد بشر ملحق شده و حقوق بین‌المللی را قبول داشته است.

۸ و ۹ - ارتباط سرنوشت یهودیان جهان بادولت اسرائیل اظهر من الشمس است و چنین ارتباطی بنظر داد گاه محقق میباشد.

چنانچه قوانین ملی را بگیریم یهودیان جهان قبل از تشکیل دولت اسرائیل تابعیت دول مختلفه را داشته و دارند. معنی حرف وکیل مدافع اینست که آن دول برای رسیدگی بکار آیشمان صالح هستند ولی دولت اسرائیل که قوام و دوام داشته و بوجود آورنده آن ملت یهود است محروم از این حق شناخته میشود!

بنظر داد گاه قصد از بین بردن تمام یهودیان بدون توجه بتابعیت آنها جنایتی بر علیه تمام ملت یهود بشمار میرود و مثل اینست که ریشه و شاخ و برگ درختی را بزنند و به تنه آن بگویند که بتوکاری نکرده‌ایم!

باین دلیل ارتکاب جنایات رژیم نازی و آیشمان در باره یهودیان بملت و دولت اسرائیل ارتباط دارد.

اسرائیل دولت متعلق بیهودیان جهان است با حق حاکمیت ملی و حق دارد که جرائم برضد فرزندان خود را مورد تعقیب قرار دهد و این مسئله مغایرتی باحقوق بین‌المللی ندارد. ۱ - چنانچه متهم در خارج از خاک اسرائیل دستگیر شده ارتباطی باو و دفاع از اتهامات منتسبه ندارد و این مسئله فقط بدو دولت آرژانتین و اسرائیل مربوط میباشد.

وقتی آرژانتین طبق اعلامیه مشترک سی‌ام اوت، ۱۹۶۰ از حق حاکمیت خود در این باره صرف‌نظر نمود جایی برای بحث وکیل مدافع باقی نمی‌ماند که بنقض حاکمیت آن دولت استناد کنند. و تدوین ادعای نامه پس از انصراف آرژانتین از حق خود بعمل آمده است. بعلاوه طبق عرف و مقررات بین‌المللی:

اول: استرداد (۱) مخصوص رابطه دو کشور است و حق مخصوص آنها بشمار میرود و متهمین انفراداً نمی‌توانند بان توسل جویند.

دوم: طبق قواعد حقوقی استرداد مخصوص جرائم ارتکاب یافته در کشور متقاضی استرداد است و بعلاوه مشمول فراریان از کشوری نمی‌گردد. متهم از آلمان با آرژانتین گریخته بوده و بعلاوه برای جرمی که در آن کشور اعمال شده محاکمه نمی‌گردد.

۱۱ - ادعای مرور زمان نیز بنظر داد گاه صحیح نیامده. دولت آرژانتین در ژوئیه سال ۱۹۶۰ تقاضای استرداد جنایتکاری را که از طرف چکسلواکی بعمل آمده بود باین ادعا که مدت مرور زمان پانزده ساله آرژانتین گذشته است رد نموده بود و وکیل مدافع آیشمان باین مسئله اشاره میکرد. بنظر داد گاه اتکاء باین نکته وقتی صحیح است که دولتی بخواهد فردی را از دولت دیگر مسترد دارد و آن دولت بقانون خود استناد نماید درحالیکه در اینجا با قانون اسرائیل سروکار داریم.

### نظری بمحاكمه آيشمن

۱۲ - در باره اجبار متهم در اطاعت از امر رؤسایش داد گاه اسرائیل بمنظور یاد آوری مسئولیت و اطلاع متهم اقدامات ضد یهود را بسه دوره تقسیم کرده است. از سال ۱۹۳۳ یعنی روی کار آمدن هیتلر تا سال ۱۹۳۹ :

از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۱ و از سال ۱۹۴۱ تا انتهای رایش سوم.

داد گاه مخصوصاً قانون سپتامبر ۱۹۳۵ نژادی نورمبرگ را که مردم یهود را در وضع پائین تر از مردم عادی قرار داده و ازدواج و روابط جنسی را با آنها ممنوع داشته یادآوری کرد و متذکر گردیده که در همان وقت آیشمان مقالاتی در باره مردم یهود و خاصیت این قانون نگاشته است :

در سال ۱۹۳۹ یهودیان آلمان به لهستان منتقل شدند و آیشمان مأمور نقل و انتقال و شکنجه و اعزام آنان باطاقهای گاز بوده است.

داد گاه استدلال و کیل مدافع را در اطاعت از اوامر دولت اصل دیکتاتوری میداند. اطاعت کورکورانه مختص رژیم های دیکتاتوری است. چنین رژیم هائی مردم را مانند یک فرد مطیع و مجری اوامر میداند حتی اگر این اوامر غیرقانونی و جنایت آمیز باشند. فقط در این قبیل رژیم هاست که مجریان جنایات بجای مجازات تشویق میشوند و وقتی که این رژیم ها ساقط شدند عدالت خودنمایی میکند و باید بکند.

متهم از نقشه نابودی یهودیان (۱) اطلاع داشته و دستور کلی هیتلر را در (۲) قلع و قمع آنان میدانسته است.

۱۳ - ادعای وکیل مدافع از نداشتن مسئولیت و بالنتیجه قصد آیشمان بنظر داد گاه قابل تعجب بوده است.

بنظر داد گاه اگر متهم از تمام یا قسمتی از جرائم دست داشته بی تفاوت میباشد. مسئولیت چنین متهمی عیناً مشابه مسئولیت مرتکب اصلی است (۳).

اگر دو نفر باهم شرکت در جعل سندی داشته باشند و هریک قسمتی از آنها را جعل کنند هر دو مرتکب اصلی بشمار میروند و عمل هریک بخودی خود کافی برای تشکیل عناصر متشکله جرم است و لازم نیست که هر دو در حین اجراء جرم و استفاده از سند حاضر باشند. قانون انگلیس Common law نیز در این مورد با قانون اسرائیل مشابه میباشد و نیز قانون ایالات متحده از قانون انگلیس سرچشمه گرفته است. نقشه مذکور آخرین راه حل برای مسئله یهودیان که از طرف مقامات هیتلری بوجود آمده بود هم شامل کشتار افراد (جنایت برضد بشریت) بود و هم شامل ضبط اموال که طبق قانون اسرائیل جنبه دیگری از جنایت مذکور بشمار میروند.

۱۴ - در اینکه عمل تغییر محل و مسکن لهستانی ها یا مردمی که تغییر مکان داده شده اند جرم هست داد گاه آنرا جرم دانسته و گفته است که این عمل باجبار صورت گرفته

۱ - The final Solution of Jewish Problem ۲ - Extermination

۳ - Principal Offender



### نظری بمحاکمه آئشمن

و آلمان‌ها جایگزین مردم تبعیدی شده و چون این تبعید در شرایط غیر انسانی، اجبار و شکنجه صورت گرفته بخودی خود عملی ضد بشری بحساب می‌آید.

نتیجه آنکه در دنیای متمدن اجراء دستور غیرقانونی از رهبران ورؤسای دول رافع مسئولیت نبوده و این نکته بیشترین حقیقت را موجه می‌سازد که بنویه خود هر فرد و مخصوصاً مأمورین دستگاهها و سازمانهای هر دولت مسئولند که زیر بار عمل خلاف قوانین بین‌المللی نروند و بلکه با این قبیل اوامر مبارزه نمایند. این قبیل محکومیت‌ها موجب قدرت قانون و ایجاد نظم در روابط بین‌المللی میشود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی